

مجله توسعه و سرمایه / سال اول / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۷ / صفحات ۱۲۵-۱۰۳

\*

دکتر مهدی بهارمقدم\*\*

// : // :

## چکیده

استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های حسابداری، به‌ویژه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در صورت کسب اطلاعات مرتبط با روش‌ها و چگونگی دستکاری سود توسط مدیران به تصمیمات اقتصادی آگاهانه‌تر دست می‌یابند. در این پژوهش، ضمن بررسی ادبیات مدیریت سود، پانزده عامل به عنوان رایج‌ترین محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود شناسایی شد. با مدّ نظر قرار دادن محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، هفت عامل از این محرک‌ها با ذکر دلایل نظری در جامعه‌ی بازار اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیات تحقیق، ابتدا مدل‌های رایج در کشورهای غربی بیان شد و مورد آزمون قرار گرفت و در نهایت مدلی سازگار با وضعیت بومی ایران ارائه شد.

**واژه‌های کلیدی:** اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی غیراختیاری، مدیریت سود، عرضه عمده سهام.

## مقدمه

تصمیم‌گیری صحیح و به موقع در بنگاه‌های اقتصادی و سایر مؤسسات مستلزم وجود اطلاعات معتبر، شفاف و قابل مقایسه است. حسابداری، سامانه‌ای اطلاعاتی است و در

\* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان (mbahar330@Yahoo.com)

واحدهای تجاری به مثابه ابزاری مؤثر در فرایند تهیه و ارائه اطلاعات مالی به منظور تصمیم گیری‌های آگاهانه‌ی استفاده کنندگان مورد توجه قرار دارد. قسمت اعظم اطلاعات حسابداری در صورت‌های مالی منعکس می‌شود. یکی از صورت‌های مالی اساسی که درباره‌ی گرفتن تصمیمات اقتصادی و در جهت ارزیابی وظیفه مباشرت مدیران از اهمیت زیادی برخوردار است، گزارش سود و زیان است که منعکس کننده عملکرد بنگاه اقتصادی در یک دوره مالی است.

مدیران واحدهای تجاری به دلایل مختلف می‌کوشند از طریق کاربرد روش‌های گوناگون حسابداری، سود دوره مالی را مدیریت کنند تا وضعیت مورد نظر خود را از عملکرد بنگاه اقتصادی ارائه کنند. بررسی محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود در دو دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است که در بخش ادبیات تحقیق، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

این تحقیق، به بررسی محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود در جامعه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در این راستا، هفت عامل از مجموعه انگیزه‌های مدیران برای دستکاری سود که با استدلال منطقی با موقعیت محیطی ایران سازگار است، مورد بررسی قرار می‌گیرد (ساختار مالی، ساختار مالکیت، عرضه عمده سهام، میزان پاداش مدیران، کیفیت کار مؤسسات حسابرسی، رشد شرکت و اندازه شرکت). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پنج عامل ساختار مالی، ساختار مالکیت، عرضه عمده سهام، میزان پاداش مدیران، کیفیت کار مؤسسات حسابرسی به عنوان محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود است.

### مروری بر مطالعات پیشین

مالفورد و کومیسکی<sup>۱</sup> (2002) عقیده دارند که سود گزارش شده بر تمام فعالیت‌های بازرگانی هر بنگاه اقتصادی و همچنین گرفتن تصمیمات مالی توسط مدیران تأثیر بسیار

<sup>1</sup> - Mulford and Comiskey

قوی و گسترده‌ای دارد. دست‌یابی به پیشگویی‌های تحلیل‌گران مالی و برآوردن انتظارات بازار، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که فکر مدیران را در طول دوره مالی به خود مشغول می‌کند. البته برآوردن انتظارات بازار، یکی از مواردی است که بر رفتار مدیران تأثیر می‌گذارد و آنها را به سوی اعمال مدیریت سود، سوق می‌دهد. لذا انگیزه ناشی از بروردن انتظارات بازار سرمایه به عنوان یکی از محرك‌های مدیران به منظور دستکاری سود شناخته شده است.

هیلی و واهلن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) عقیده دارند که استفاده گسترده از اطلاعات حسابداری توسط سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی، می‌تواند از انگیزه‌های مهم مدیران برای دستکاری سود باشد تا از این طریق، قیمت سهام بنگاه اقتصادی خود را گرچه در کوتاه مدت تحت تأثیر قرار دهند و بهینه سازند.

روزن فیلد<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) عقیده دارد که مدیریت سود، کمتر حاصل انحراف از کاربرد GAAP است و بیشتر در نتیجهی معایب ذاتی GAAP و طراحی نادرست آن است.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده توسط بورگ ستاهلر و دیچو<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، انگیزه گروهی از مدیران به منظور اعمال مدیریت سود، اجتناب از گزارش زیان و کاهش سود است. این پژوهشگران عقیده دارند که مدیران از طریق دستکاری سود، سعی در استقرار و ابقای یک الگوی افزایشی سود دارند.

در مورد عرضه اولیه و عمده سهام، ته او و دیگران<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، بررسی‌هایی را انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که بنگاه‌های اقتصادی که قصد عرضه عمده سهام را در یک دوره مالی دارند، از طریق جرح و تعدیل اقلام تعهدی اختیاری دوره قبل از عرضه سهام، و هم چنین استفاده از روش‌های مناسب حسابداری، سود را بیش از میزان واقعی و به صورت متورم نشان می‌دهند تا سهام به قیمت از قبل تعیین شده و در سطح بالا به فروش رسد و از این طریق، مدیران به اهداف خاص خود دست می‌یابند.

1 - Healy and Wahlen

2 - Rosenfield

3 - Burgstahler and Dichev

محققان زیادی ارتباط مدیریت سود با قراردادهای بدهی و تأمین مالی از طریق استقراض را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از جمله دی فوند و جیامبالوو<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، دی آنجلو و سکینر<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای جلب نظر وام‌دهندگان از طریق دستکاری سود، وضعیت مطلوبی از شرکت را به نمایش می‌گذارند و از این طریق، علاوه بر جذب وجوه مورد نیاز، احتمال عدم رعایت تعهدات موضوع قراردادهای وام را نیز کاهش می‌دهند.

در ایران نیز در سال‌های اخیر، تحقیقاتی درباره مدیریت سود صورت گرفته است؛ از جمله می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

پورحیدری و هم‌تیمی (۱۳۸۳) به بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین نسبت بدهی بر حقوق صاحبان سهام و دستکاری سود، ارتباط مثبت معناداری وجود ندارد. در مورد هزینه‌های سیاسی، یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در ایران با بزرگتر شدن شرکت‌ها، فشارهای سیاسی بر شرکت‌ها افزایش نمی‌یابد و برعکس شرکت‌های بزرگتر به دلایل مختلف اقدام به دستکاری سود به منظور ارائه تصویر بهتری از عملکرد شرکت می‌کنند. در ضمن نتیجه آزمون فرضیه‌های پاداش و مالکیت، حاکی از عدم ارتباط معناداری بین متغیرهای ذکر شده و دستکاری سود بوده است.

خانی (۱۳۸۲) در پژوهش خود تحت عنوان مدیریت سود و پاداش مدیران، مطالعه‌ای به منظور شفاف‌سازی اطلاعات مالی، مدیریت سود را در قالب چهار فرضیه بررسی، و نتیجه‌گیری کرده است که روش پرداخت پاداش مدیران در ایران، که معمولاً بر مبنای سود سالانه است، ضمن اینکه نمی‌تواند اقدام صحیحی در جهت همسو کردن منافع مدیران و سایر گروه‌ها از جمله مالکان تلقی گردد، می‌تواند به عنوان مهم‌ترین انگیزه برای دستکاری اطلاعات و اعمال مدیریت سود مطرح شود.

<sup>۱</sup> - Defond and Jiambalvo.

<sup>۲</sup> - DeAngelo and Skinner

بیتا مشایخی و دیگران (۱۳۸۴) در تحقیق خود تحت عنوان نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیده‌اند که در شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق، مدیریت سود اعمال شده است. در واقع مدیریت این شرکت‌ها هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است به منظور جبران این موضوع به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری اقدام کرده است.

از دیگر تحقیقات انجام شده در مورد هموارسازی سود می‌توان به تحقیقات قائمی و همکاران (۱۳۸۲) با عنوان تأثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ نروش و سپاسی (۱۳۸۴) با عنوان بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی با هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ بدری (۱۳۷۸) با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود؛ معتصمی (۱۳۷۶) با عنوان بررسی اثر هموارسازی سود بر بازار سهام اشاره کرد.

### فرضیه‌های تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق، هفت فرضیه به شرح زیر تبیین و ارائه شده است:

- ۱- بین ساختار مالی (اهرم مالی) و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین ساختار مالکیت و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین عرضه عمده سهام و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین میزان پاداش مدیران و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین کیفیت کار مؤسسات حسابرسی و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین میزان رشد شرکت و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین اندازه شرکت و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

این پژوهش، تحقیقی شبه تجربی و پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی است. اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی اساسی و سایر

گزارش‌ها شامل یادداشت‌های همراه، گزارش‌های هیأت مدیره و گزارش‌های مجامع بنگاه‌های اقتصادی استخراج شده است.

برای آزمون فرضیات از یک متغیر وابسته و هفت متغیر مستقل استفاده شده است. در ضمن، همانند بسیاری از تحقیقات انجام شده در ایران و سایر کشورها در این تحقیق نیز ارقام تعهدی اختیاری به عنوان متغیر وابسته و به عنوان جایگزین مناسبی برای عامل مدیریت سود انتخاب شده است.

**متغیرهای مستقل:** با مد نظر قرار دادن فرضیه‌های ارائه شده در این پژوهش، هفت متغیر مستقل، که در حکم نماینده و نشان‌دهنده محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود است، مطرح می‌شود که به شرح زیر است:

**نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (اهرم مالی):** اغلب تحقیقاتی که درباره با مدیریت سود انجام شده از نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (اهرم مالی) یا (D/E) استفاده شده است. در این پژوهش نیز از همین نظریه پیروی شده است.

**ساختار مالکیت:** برای آزمون فرضیه ساختار مالکیت همانند برخی تحقیقات غربی مانند بنیش<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) و داروق و دیگران<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) از نسبت تعداد سهام داد و ستد شده به کل سهام منتشر شده استفاده می‌شود. در صورتی که تعداد سهام مورد معامله در یک دوره مالی در یک شرکت از ۵٪ سرمایه - سهام در دست سهام داران - شرکت کمتر باشد، افق سرمایه گذاری بلند مدت تلقی، و از متغیر مصنوعی صفر استفاده می‌شود و بالعکس چنانچه تعداد سهام معامله شده از ۵٪ بیشتر باشد در این صورت افق سرمایه گذاری، کوتاه مدت تلقی، و از متغیر مصنوعی یک استفاده می‌شود.

**معامله عمده سهام:** در رابطه با معامله عمده سهام از متغیر مصنوعی صفر و یک استفاده خواهد شد. در صورتی که شرکت دارای معامله عمده سهام در سال مورد بررسی باشد از متغیر یک و بالعکس از متغیر مصنوعی صفر استفاده خواهد شد. بر مبنای آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بورس اوراق بهادار در صورتی که اشخاص حقیقی یا حقوقی، هنگام

<sup>۱</sup> - Beneish

<sup>۲</sup> - Darrrough, Pourjalali and Saudagaran.

عرضه و فروش سهام، بیش از ۵٪ سهام شرکتی را در یک مرحله به منظور فروش به بازار عرضه کنند و این سهام مورد معامله قرار گیرد، این امر به عنوان معامله عمده تلقی می‌گردد. در این پژوهش نیز همین دستورالعمل، مبنا قرار می‌گیرد.

پاداش مدیران: برای آزمون فرضیه پاداش از مجموع مبلغ پرداختی به عنوان پاداش به اعضای هیات مدیره استفاده خواهد شد. در این رابطه، مواد ۱۳۴ و ۲۴۱ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مورد توجه قرار می‌گیرد.

کیفیت کار حساب‌رسان: در مورد اشتباهات مالی با اهمیت دوره‌های قبل، سازمان حسابرسی، بر مبنای یک جدول پیشنهادی، مبلغ اهمیت برای وضعیت عادی را بین یک تا سه درصد میانگین مجموع دارایی‌ها و فروش بنگاه اقتصادی در سال مورد نظر به عنوان معیار تعیین سطح اهمیت در نظر می‌گیرد (دستورالعمل حسابرسی، نشریه شماره ۱۵۰ سازمان حسابرسی، ۱۳۷۸ صفحه ۲۲). در این تحقیق نیز با استناد به الگوی مذکور و با استفاده از متغیر مصنوعی برای آزمون فرضیه حساب‌رسان مستقل از متغیر یک برای شرکت‌هایی که حساب‌رسان گروه اول، حسابرسی آنها را انجام داده‌اند، یعنی میزان اصلاح اشتباهات مالی دوره‌های قبل آنها، کم‌تر از یک تا سه درصد میانگین مجموع دارایی‌ها و فروش در سال مورد نظر است و بالعکس از متغیر صفر برای شرکت‌هایی که حساب‌رسان آنها سایر مؤسسات حسابرسی هستند، استفاده می‌گردد و بالطبع میزان اصلاح اشتباهات مالی دوره‌های قبل این گونه شرکت‌ها، بیشتر از یک تا سه درصد میانگین مجموع دارایی‌ها و فروش در سال مورد نظر است.

رشد شرکت: به منظور بررسی رشد شرکت‌ها از معیارهای مختلفی استفاده می‌شود؛ مانند تغییرات ارزش کل شرکت و تغییرات فروش کالا. با توجه به میزان تورم در ایران در این پژوهش از شاخص فروش کالا و بررسی تغییرات آن در دوره‌های مورد نظر استفاده می‌گردد. رشد فروش شرکت از تقسیم جمع فروش در زمان  $t$  بر جمع فروش در سال  $t-1$  محاسبه خواهد شد.

اندازه شرکت: در این تحقیق برای سنجش اندازه از ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال استفاده می‌شود. ارزش بازار کل سهام، حاصل ضرب تعداد سهام شرکت و ارزش بازار سهام مذکور در پایان سال مورد نظر است.

### متغیر وابسته

در فرایند گزارشگری مالی بنگاه اقتصادی، مدیران می‌توانند با دستکاری ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود را اعمال کنند. نقطه شروع برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری، جمع کل ارقام تعهدی است. در این تحقیق، ارقام تعهدی اختیاری به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است. برای جدا سازی بخش اختیاری از کل ارقام تعهدی از مدل‌های مختلفی استفاده می‌شود. بر اساس پژوهش هیللی و واهلن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) این مدل‌ها عبارت است از مدل هلی<sup>۲</sup>، مدل دی آنجلو<sup>۳</sup>، مدل جونز<sup>۴</sup>، مدل صنعت، و مدل تعدیل شده جونز<sup>۵</sup>. بر اساس مطالعات برخی از پژوهشگران، مدل تعدیل شده جونز قدرتمندترین روش را برای پیش بینی مدیریت سود فراهم می‌کند.

نبودن ثبات اقتصادی در بازار ایران، حاکم بودن مدیریت دولتی بر فضای شرکت‌های تجاری بزرگ و نبودن رقابت آزاد و سالم در بازار و مهم‌تر از همه میزان تورم زیاد، باعث نوسان شدید قیمت‌ها، نوسان میزان فروش سالانه و ارقام تعهدی به‌ویژه حساب‌ها و اسناد دریافتی و پرداختی تجاری می‌شود.

مجموعه این عوامل باعث شد که استفاده از مدل تعدیل شده جونز در این پژوهش با تغییرات اساسی در برخی از عوامل همراه باشد؛ به بیان دیگر با مبنا قرار دادن مدل تعدیل شده جونز، فرمول‌های جدیدی که در رابطه با آزمون محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود، سازگار با محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران باشد به ترتیب زیر ارائه می‌شود.

<sup>۱</sup> - Healy and Wahlen

<sup>۲</sup> - Healy Model

<sup>۳</sup> - DeAngelo Model

<sup>۴</sup> - Jones Model

<sup>۵</sup> - Modified Jones Model.



۱- برای محاسبه جمع اقلام تعهدی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$TA_{i,t} = (\Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - \Delta Cash_{i,t} + STD_{i,t} - Dep_{i,t}) / (MV_{i,t}) \quad (۱)$$

در این رابطه :

$TA_{i,t}$  = جمع کل اقلام تعهدی بنگاه اقتصادی  $i$  در سال  $t$

$\Delta CA_{i,t}$  = تغییر در دارایی‌های جاری

$\Delta CL_{i,t}$  = تغییر در بدهی‌های جاری

$\Delta Cash_{i,t}$  = تغییر در وجه نقد و معادل نقد،

$\Delta STD_{i,t}$  = تغییر در بهره جاری بدهی‌های بلند مدت

$Dep_{i,t}$  = هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت و نامشهود

$MV_{i,t}$  = ارزش بازار شرکت

۲- به منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری یعنی اقلامی که مدیران در مورد آنها آزادی

عمل دارند، ابتدا باید اقلام تعهدی غیراختیاری از طریق فرمول زیر محاسبه شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 (1/MV_{i,t}) + \alpha_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / MV_{i,t} + \alpha_3 (PPE_{i,t} / MV_{i,t}) + \alpha_4 (A_{i,t} / MV_{i,t}) + \alpha_5 (T / MV_{i,t}) + v_{i,t} \quad (۲)$$

در این رابطه :

$NDA_{i,t}$  = اقلام تعهدی غیراختیاری برای شرکت  $i$  در سال  $t$

$MV_{i,t}$  = ارزش بازار شرکت

$\Delta REV_{i,t}$  = تغییر در خالص درآمد

$\Delta REC_{i,t}$  = تغییر در خالص حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری

$PPE_{i,t}$  = میزان اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

$A_{i,t}$  = جمع دارایی‌های شرکت

$Time = T$ ، عامل زمان

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3, \alpha_4, \alpha_5$  = عوامل برآورد شده مختص شرکت  $i$

برای برآورد عوامل خاص هر شرکت، سازگار با پژوهش‌های انجام شده در حوزه

مدیریت سود، سمت راست فرمول  $TA$  (جمع اقلام تعهدی هر شرکت در هر سال مالی)

به عنوان برآورد و تخمینی از ارقام تعهدی غیراختیاری به صورت زیر در سمت چپ فرمول بالا (شماره ۲) قرار می‌گیرد:

$$TA_{i,t} = a_1(1/MV_{i,t}) + a_2(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})/MV_{i,t} + a_3(PPE_{i,t}/MV_{i,t}) + a_4(A_{i,t}/MV_{i,t}) + a_5(T/MV_{i,t}) + v_{i,t} \quad (3)$$

در ادامه، بیش از ۷۵۰۰ داده از صورت‌های مالی چهل بنگاه اقتصادی نمونه آماری استخراج، و با استفاده از نرم‌افزارهای مناسب کامپیوتری، عوامل خاص شرکت‌ها ( $a_1, a_2, a_3, a_4, a_5$ ) محاسبه شد. به این ترتیب، امکان تعیین مبلغ NDA (ارقام تعهدی غیراختیاری)، برای هر سال - شرکت فراهم شد. با عنایت به اینکه کل ارقام تعهدی (TA) و ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA) برای هر سال و هر شرکت محاسبه شده است در ادامه ارقام تعهدی اختیاری (DA) و به بیان بهتر، متغیر وابسته تحقیق با کاربرد معادله زیر برای هر سال - شرکت محاسبه می‌شود:

$$DA_{i,t} = TA_{i,t} - NDA_{i,t} \quad (4)$$

$DA_{i,t}$  = ارقام تعهدی اختیاری بنگاه اقتصادی  $i$  در سال  $t$

$TA_{i,t}$  = جمع ارقام تعهدی

$NDA_{i,t}$  = ارقام تعهدی غیر اختیاری

فرضیات تحقیق با استفاده از داده‌های یک دوره یازده ساله (۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲) مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور آزمون فرضیات از رگرسیون یک متغیره و چند متغیره استفاده شده است. رگرسیون یک متغیره با استفاده از داده‌های مقطعی و داده‌های تجمعی (سال - شرکت) انجام شده است.

ارقام تعهدی اختیاری برای هر شرکت به عنوان متغیر وابسته و به مثابه جایگزین مناسب مدیریت سود با هفت متغیر مستقل، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. به منظور افزایش امکان اتکای نتایج در این تحقیق، شرکت‌های مورد مطالعه در نمونه آماری در مرحله اول سال به سال و در مرحله دوم برای تمام سال‌ها بررسی شده است.

### قلمرو تحقیق

جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری شامل چهل شرکت است که به طور تصادفی از جامعه آماری انتخاب شده است. دوره زمانی تحقیق، یک دوره یازده ساله است که از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲، است.

### یافته‌های پژوهش

جدول (۱) آمارهای توصیفی را برای همه متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. ارقام مورد استفاده برای محاسبه متغیرهای مورد آزمون به میلیون ریال است.

جدول ۱: آمار توصیفی با توجه به داده‌های سال - شرکت

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	چارک اول	چارک سوم	حداکثر
D/E	۴۴۰	۴/۱۶۰	۲/۴۷۲	۷/۷۲۵	۰/۲۴۷	۱/۵۴۲	۳/۹۸۲	۱۷/۳۵۶
Own-St	۴۴۰	۰/۵۹۵	۱/۰۰۰	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
IPO	۴۴۰	۰/۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۳۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
Bonus	۴۴۰	۲/۱۰۱	۲/۱۷۶	۰/۵۵۸	۰/۰۰۰	۱/۷۵۲	۲/۴۷۷	۳/۳۹۸
Auditor	۴۴۰	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
Growth	۴۴۰	۰/۳۰۷	۰/۲۴۱	۰/۴۲۷	-۰/۹۲۴	۰/۰۸۱	۰/۴۴۹	۳/۷۴۶
Size	۴۴۰	۴/۸۰۵	۴/۷۷۳	۰/۷۴۷	۲/۷۷۸	۴/۲۳۵	۵/۲۶۱	۷/۴۰۵

D/E = نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (ساختار مالی)

Own-St = ساختار مالکیت

IPO = عرضه ی عمده سهام

Bonus = میزان پاداش مدیران

Auditor = کیفیت کار موسسات حسابرسی

Growth = رشد شرکت

Size = اندازه شرکت

### آزمون فرضیه اول

اولین فرضیه تحقیق درباره با بررسی ارتباط بین ساختار مالی (اهرم مالی) با مدیریت سود است. نتایج آزمون فرضیه بالا با توجه به داده‌های مقطعی و هم‌چنین داده‌های تجمعی در

جدول شماره (۲) صفحه بعد آورده شده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می شود، ضریب D/E معادل ۰/۰۵۵ و مقداراً محاسبه شده ۳/۱۲۰ است که در سطح معناداری ۹۵٪ و یا با خطای ۵٪ مورد تأیید قرار می گیرد. نوع رابطه نیز مثبت است. بنابراین می توان گفت بین ساختار مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج این پژوهش، سازگار با تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت سود در کشورهای غربی، نشان می دهد که هر قدر نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد، انگیزه مدیران برای مدیریت سود نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول با استفاده از داده های مقطعی برای سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده های تجمعی

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دورین واتسون
۱۳۷۲	۰/۸۷۸	۰/۱۷۴	۰/۶۲۰	۰/۵۳۹	-۰/۰۱۶	۲/۰۶۹
۱۳۷۳	۰/۶۶۴	۰/۱۷۲	۱/۳۷۸	۰/۱۷۶	۰/۰۲۳	۱/۹۹۷
۱۳۷۴	۱/۰۴۳	۰/۰۳۶	۰/۲۷۰	۰/۷۸۸	-۰/۰۲۴	۲/۰۴۷
۱۳۷۵	۰/۴۸۹	۰/۰۴۸	۱/۱۰۳	۰/۲۷۷	۰/۰۰۶	۱/۹۲۲
۱۳۷۶	۰/۴۲۸	۰/۰۰۷	۰/۲۶۷	۰/۷۹۱	-۰/۰۲۴	۱/۸۲۲
۱۳۷۷	۰/۳۰۸	۰/۰۹۳	۱/۷۵۲	۰/۰۸۸	۰/۰۵۰	۲/۰۴۳
۱۳۷۸	۰/۳۴۲	۰/۰۴۲	۷/۷۰۲	۰/۰۰۰***	۰/۵۹۹	۲/۰۶۵
۱۳۷۹	۰/۴۳۳	۰/۰۴۲	۰/۹۸۳	۰/۳۳۲	-۰/۰۰۱	۱/۸۹۹
۱۳۸۰	۰/۱۳۶	۰/۱۵۰	۷/۰۴۸	۰/۰۰۰***	۰/۵۵۵	۲/۰۲۶
۱۳۸۱	۰/۵۹۶	۰/۰۵۳	۰/۳۵۲	۰/۷۲۷	-۰/۰۲۳	۲/۱۵۳
۱۳۸۲	۰/۵۳۷	۰/۰۰۸	۰/۴۶۴	۰/۶۴۵	-۰/۰۲۱	۲/۰۸۰
تجمعی	۰/۶۱۷	۰/۰۵۵	۳/۱۲۰	۰/۰۰۲**	۰/۰۲۰	۲/۰۲۰

\*\*\* و \*\* به ترتیب در سطح خطای ۱٪ و ۵٪ معنادار است.

## آزمون فرضیه دوم

با توجه به جدول (۳)، ضریب Own-St معادل  $0/977-$  و مقدار  $t$  محاسبه شده  $3/541-$  است که در سطح معناداری  $99\%$  و یا با خطای  $1\%$  مورد تأیید قرار می‌گیرد. نوع رابطه نیز منفی است. بنابراین می‌توان گفت بین ساختار مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه دوم با استفاده از داده‌های مقطعی برای سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده‌های تجمعی

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره $t$	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دورین واتسون
۱۳۷۲	۲/۹۲۹	-۲/۵۰۴	-۱/۷۶۴	$0/086^*$	$0/051$	۲/۱۶۳
۱۳۷۳	۳/۳۹۸	-۲/۸۸۶	-۱/۷۴۴	$0/089^*$	$0/050$	۲/۰۷۶
۱۳۷۴	۲/۱۶۰	-۱/۸۴۹	-۱/۰۵۰	$0/300$	$0/003$	۲/۰۸۳
۱۳۷۵	۱/۴۹۱	-۱/۰۲۵	-۱/۷۱۴	$0/095^*$	$0/047$	۱/۹۵۵
۱۳۷۶	۰/۵۴۱	-۰/۱۸۶	-۰/۶۹۷	$0/490$	$-0/013$	۱/۸۳۲
۱۳۷۷	۰/۶۰۳	$0/060$	$0/168$	$0/868$	$-0/026$	۲/۰۶۰
۱۳۷۸	۰/۹۰۵	-۰/۵۸۷	-۱/۹۳۲	$0/061^*$	$0/065$	۲/۱۷۲
۱۳۷۹	۰/۸۷۵	-۰/۴۹۴	-۱/۱۳۴	$0/264$	$0/007$	۱/۸۱۳
۱۳۸۰	۰/۹۹۴	-۰/۶۹۲	-۱/۸۱۳	$0/078^*$	$0/055$	۱/۹۰۱
۱۳۸۱	۰/۶۲۹	$0/162$	$0/342$	$0/735$	$-0/023$	۲/۱۶۵
۱۳۸۲	۲/۱۵۳	-۰/۹۷۷	-۳/۶۸۹	$0/001^{***}$	$0/244$	۱/۸۶۸
تجمعی	۱/۴۲۷	-۰/۹۷۷	-۳/۵۴۱	$0/000^{***}$	$0/026$	۲/۰۳۳

\*\*\* و \*\* به ترتیب در سطح خطای  $1\%$  و  $10\%$  معنادار است.

## آزمون فرضیه سوم

در جدول (۴)، ضریب IPO معادل  $0/145-$  و مقدار  $t$  محاسبه شده  $0/347-$  است که در سطح معناداری  $95\%$  و یا با خطای  $5\%$  مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت بین عرضه عمده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه سوم با استفاده از داده های مقطعی  
برای سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده های تجمعی

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۱۳۷۲	۱/۵۸۰	-۱/۱۱۸	-۰/۲۳۸	۰/۸۱۳	-۰/۰۲۵	۲/۱۵۰
۱۳۷۳	۱/۶۲۹	-۱/۴۰۶	-۰/۲۶۴	۰/۷۹۳	-۰/۰۲۴	۲/۰۸۹
۱۳۷۴	۱/۴۲۶	-۰/۸۴۴	-۰/۳۹۶	۰/۶۹۵	-۰/۰۲۲	۲/۰۳۹
۱۳۷۵	۰/۷۶۰	-۰/۳۶۹	-۰/۴۱۳	۰/۶۸۲	-۰/۰۲۲	۱/۹۱۹
۱۳۷۶	۰/۴۶۳	-۰/۰۷۷	-۰/۱۵۲	۰/۸۸۰	-۰/۰۲۶	۱/۸۳۵
۱۳۷۷	۰/۵۹۴	۰/۵۳۵	۰/۷۹۹	۰/۴۲۹	-۰/۰۰۹	۲/۰۱۳
۱۳۷۸	۰/۵۱۲	۱/۱۳۷	۱/۹۷۹	۰/۰۵۵ <sup>o</sup>	۰/۰۷۰	۲/۱۸۴
۱۳۷۹	۰/۵۸۷	-۰/۱۶۷	-۰/۲۵۸	۰/۷۹۸	-۰/۰۲۵	۱/۹۳۵
۱۳۸۰	۰/۵۳۹	۰/۵۴۱	۱/۱۰۶	۰/۲۷۶	۰/۰۰۶	۲/۱۰۲
۱۳۸۱	۰/۷۴۵	-۰/۱۱۰	-۰/۱۷۹	۰/۸۵۹	-۰/۰۲۵	۲/۱۴۷
۱۳۸۲	۰/۵۳۷	۰/۱۲۳	۰/۳۱۹	۰/۷۵۲	-۰/۰۲۴	۲/۰۷۱
تجمعی	۰/۸۶۳	-۰/۱۴۵	-۰/۳۴۷	۰/۷۲۹	-۰/۰۰۲	۲/۰۴۵

\* در سطح خطای ۱۰٪ معنادار است.

#### آزمون فرضیه چهارم

همان طور که در جدول (۵) ملاحظه می شود، ضریب Bonus معادل ۱/۲۹۹- و مقدار t محاسبه شده ۵/۴۵۰- است که در سطح معناداری ۹۹٪ و یا با خطای ۱٪ مورد تأیید قرار می گیرد. نوع رابطه نیز منفی است. بنابراین می توان گفت بین پاداش مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه چهارم با استفاده از داده‌های مقطعی برای سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده‌های تجمعی.

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۱۳۷۲	۶/۳۲۴	-۲/۷۴۹	-۱/۴۴۹	۰/۱۵۵	۰/۰۲۷	۲/۱۶۵
۱۳۷۳	۷/۷۷۴	-۳/۳۸۱	-۱/۶۱۶	۰/۱۱۴	۰/۰۴۰	۱/۹۹۰
۱۳۷۴	۹/۰۵۷	-۳/۸۴۵	-۱/۸۹۷	۰/۰۶۵*	۰/۰۶۳	۲/۰۲۶
۱۳۷۵	۲/۷۴۲	-۰/۹۸۳	-۲/۲۸۷	۰/۰۲۸**	۰/۰۹۸	۱/۹۰۸
۱۳۷۶	۲/۱۶۳	-۰/۸۱۸	-۳/۶۸۰	۰/۰۰۱***	۰/۲۴۳	۱/۸۱۲
۱۳۷۷	۲/۴۸۱	-۰/۹۱۲	-۴/۵۸۴	۰/۰۰۰***	۰/۳۳۹	۲/۰۰۲
۱۳۷۸	۲/۴۱۹	-۰/۸۳۶	-۲/۶۲۶	۰/۰۱۲**	۰/۱۳۱	۲/۱۰۷
۱۳۷۹	۲/۲۸۵	-۰/۷۵۸	-۱/۶۲۶	۰/۱۱۲	۰/۰۴۰	۱/۸۶۵
۱۳۸۰	۳/۴۶۳	-۱/۲۴۱	-۳/۷۵۳	۰/۰۰۱***	۰/۲۵۱	۱/۸۷۳
۱۳۸۱	۲/۷۸۶	-۰/۸۹۱	-۲/۵۱۳	۰/۰۱۶**	۰/۱۲۰	۲/۰۶۹
۱۳۸۲	۱/۷۷۲	-۰/۵۱۸	-۲/۰۷۴	۰/۰۴۵**	۰/۰۷۸	۲/۰۱۲
تجمعی	۳/۵۷۶	-۱/۲۹۹	-۵/۴۵۰	۰/۰۰۰***	۰/۰۶۱	۲/۰۴۶

\*\*\* و \*\* و \* به ترتیب در سطح خطای ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ معنادار است.

### آزمون فرضیه پنجم

همان طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود، ضریب Auditor معادل ۱/۳۲۶ و مقدار t محاسبه شده ۴/۲۴۱ است که در سطح معناداری ۹۹٪ و یا با خطای ۱٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نوع رابطه نیز مثبت است. بنابراین می‌توان گفت بین کیفیت کار مؤسسات حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه پنجم با استفاده از داده‌های مقطعی برای سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده‌های تجمعی

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین و واتسون
۱۳۷۲	۰/۷۶۱	۶/۳۲۲	۳/۲۱۰	۰/۰۰۳***	۰/۱۹۳	۲/۲۱۰
۱۳۷۳	۰/۷۹۹	۲/۴۴۴	۱/۴۱۰	۰/۱۶۷	۰/۰۲۵	۱/۹۴۴
۱۳۷۴	۰/۳۸۸	۳/۰۸۳	۱/۵۹۲	۰/۱۲۰	۰/۰۳۸	۱/۹۵۵
۱۳۷۵	۰/۶۶۱	۰/۴۱۵	۰/۵۵۴	۰/۵۸۳	-۰/۰۱۸	۲/۰۴۲
۱۳۷۶	۰/۳۷۶	۰/۴۰۵	۱/۲۳۵	۰/۲۲۴	۰/۰۱۳	۱/۹۳۳
۱۳۷۷	۰/۴۴۰	۰/۶۴۷	۱/۷۲۸	۰/۰۹۲*	۰/۰۴۸	۲/۱۳۵
۱۳۷۸	۰/۵۶۸	۰/۱۱۶	۰/۳۱۵	۰/۷۵۴	-۰/۰۲۴	۲/۲۲۹
۱۳۷۹	۰/۲۷۴	۰/۷۷۹	۱/۸۳۷	۰/۰۷۴*	۰/۰۵۷	۲/۰۲۶
۱۳۸۰	۰/۵۰۶	۰/۶۳۰	۱/۳۵۵	۰/۱۸۳	۰/۰۲۱	۱/۹۸۴
۱۳۸۱	۰/۴۴۹	۱/۳۸۵	۲/۵۸۰	۰/۰۱۴**	۰/۱۲۷	۲/۰۱۱
۱۳۸۲	۰/۴۲۸	۰/۵۱۰	۱/۳۹۸	۰/۱۷۰	۰/۰۲۴	۲/۰۰۹
تجمعی	۰/۵۲۰	۱/۳۲۶	۴/۲۴۱	۰/۰۰۰***	۰/۰۳۷	۲/۰۱۱

\*\*\* و \*\* و \* به ترتیب در سطح خطای ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ معنادار است.

### آزمون فرضیه ششم

همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود، ضریب Growth معادل ۰/۴۲۷ و مقدار t محاسبه شده ۱/۳۲۹ است که در سطح معناداری ۹۵٪ و یا با خطای ۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. نوع رابطه نیز مثبت است. بنابراین می‌توان گفت بین رشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود ندارد.



جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه ششم با استفاده از داده‌های مقطعی  
برای سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده‌های تجمعی.

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین و اتسون
۱۳۷۲	۱/۰۵۳	۰/۹۰۴	۰/۶۵۱	۰/۵۱۹	-۰/۰۱۵	۲/۱۲۸
۱۳۷۳	۱/۸۵۹	-۰/۵۹۸	-۰/۲۵۷	۰/۷۹۹	-۰/۰۲۵	۲/۰۷۴
۱۳۷۴	۰/۰۵۲	۲/۵۶۵	۱/۱۳۳	۰/۲۶۴	۰/۰۰۷	۲/۰۷۹
۱۳۷۵	۰/۹۴۴	-۰/۴۴۴	-۰/۷۷۲	۰/۴۴۵	-۰/۰۱۰	۲/۰۱۱
۱۳۷۶	۰/۴۰۸	۰/۲۶۳	۰/۶۱۸	۰/۵۴۱	-۰/۰۱۶	۱/۸۵۷
۱۳۷۷	۰/۷۵۹	-۱/۱۴۲	-۱/۹۹۶	۰/۰۵۳ <sup>o</sup>	۰/۰۷۱	۲/۰۵۹
۱۳۷۸	۰/۶۳۳	-۰/۱۰۹	-۰/۴۰۷	۰/۶۸۶	-۰/۰۲۲	۲/۲۱۸
۱۳۷۹	۰/۷۷۶	-۰/۹۱۷	-۱/۱۴۰	۰/۲۶۱	۰/۰۰۸	۱/۸۸۰
۱۳۸۰	۰/۵۱۹	۰/۹۶۳	۱/۸۲۲	۰/۰۷۶ <sup>o</sup>	۰/۰۵۶	۲/۱۵۳
۱۳۸۱	۰/۸۰۷	-۰/۳۴۶	-۰/۴۷۴	۰/۶۳۸	-۰/۰۲۰	۲/۱۶۵
۱۳۸۲	۰/۵۸۸	-۰/۰۹۶	-۰/۲۱۷	۰/۸۲۹	-۰/۰۲۵	۲/۱۰۸
تجمعی	۰/۷۱۴	۰/۴۲۷	۱/۳۲۹	۰/۱۸۵	۰/۰۰۲	۲/۰۵۲

\* در سطح خطای ۱۰٪ معنادار است.

### آزمون فرضیه هفتم

همان طور که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود، ضریب Size معادل  $1/0.35$  - و مقدار t محاسبه شده  $5/839$  - است که در سطح معناداری ۹۹٪ و یا با خطای ۱٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نوع رابطه نیز منفی است. بنابراین می‌توان گفت بین اندازه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه هفتم با استفاده از داده های مقطعی برای سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ و داده های تجمعی .

سال	مقدار ثابت	ضریب بتا	آماره t	مقدار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۱۳۷۲	۱۶/۰۱۵	-۳/۴۳۴	-۲/۴۰۱	۰/۰۲۱ <sup>**</sup>	۰/۱۰۹	۲/۱۱۰
۱۳۷۳	۱۵/۲۸۴	-۳/۰۸۸	-۲/۲۲۲	۰/۰۳۲ <sup>**</sup>	۰/۰۹۲	۲/۰۴۱
۱۳۷۴	۱۴/۳۰۵	-۲/۷۸۵	-۲/۱۸۹	۰/۰۳۵ <sup>**</sup>	۰/۰۸۹	۲/۰۰۳
۱۳۷۵	۴/۸۸۴	-۰/۸۶۹	-۲/۱۲۸	۰/۰۴۰ <sup>**</sup>	۰/۰۸۳	۱/۹۹۸
۱۳۷۶	۱/۹۰۹	-۰/۳۰۱	-۱/۳۳۲	۰/۱۹۱	۰/۰۱۹	۱/۸۲۶
۱۳۷۷	۳/۶۳۴	-۰/۶۳۵	-۲/۵۹۳	۰/۰۱۳ <sup>**</sup>	۰/۱۲۸	۲/۰۶۳
۱۳۷۸	۲/۵۶۴	-۰/۴۰۷	-۱/۹۴۵	۰/۰۵۹ <sup>*</sup>	۰/۰۶۷	۲/۲۲۲
۱۳۷۹	۳/۳۲۴	-۰/۵۵۱	-۱/۹۸۴	۰/۰۵۵ <sup>*</sup>	۰/۰۷۰	۱/۹۵۵
۱۳۸۰	۳/۶۶۷	-۰/۵۹۶	-۲/۳۸۳	۰/۰۲۲ <sup>**</sup>	۰/۱۰۷	۲/۰۲۶
۱۳۸۱	۴/۳۳۱	-۰/۷۱۱	-۲/۶۸۴	۰/۰۱۱ <sup>**</sup>	۰/۱۳۷	۲/۰۹۶
۱۳۸۲	۲/۶۵۲	-۰/۴۰۰	-۲/۳۷۱	۰/۰۲۳ <sup>**</sup>	۰/۱۰۶	۱/۹۹۵
تجمعی	۵/۸۱۸	-۱/۰۳۵	-۵/۸۳۹	۰/۰۰۰ <sup>***</sup>	۰/۰۷۰	۲/۰۵۸

\*\*\* و \*\* و \* به ترتیب در سطح خطای ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ معنادار است.

### نتیجه گیری

در این تحقیق، اثر هفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه ساختار مالی از نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (D/E)، استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه ساختار مالی نشان می دهد که هر قدر نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد، انگیزه مدیران برای اعمال مدیریت سود بیشتر خواهد بود که این موضوع با تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی سازگار است. آزمون فرضیه دوم (ساختار مالکیت) حاکی از ارتباط منفی و معنادار بین ساختار مالکیت و مدیریت سود است؛ بدین معنی که هر قدر میزان مالکیت افرادی که از افق سرمایه گذاری کوتاه مدت برخوردارند بیشتر باشد، انگیزه مدیران برای دستکاری سود بیشتر است و بالعکس هر اندازه میزان مالکیت افرادی که افق سرمایه گذاری بلند مدت دارند بیشتر باشد، مدیران انگیزه کمتری برای دستکاری سود دارند.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین عرضه عمده سهام و دستکاری سود همبستگی وجود ندارد و مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای دستکاری سود در ارتباط با عرضه عمده سهام، انگیزه کافی ندارند. نتیجه آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که بین میزان پاداش مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مدیریت سود ارتباط منفی و معناداری وجود دارد که در حالت عمومی و کلی، نتایج این پژوهش با مطالعات انجام شده در این حوزه در کشورهای غربی سازگار است. در مورد همین فرضیه با عنایت به نتایج به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، الگوی تعیین میزان پاداش مدیران از حالت کلیشه‌ای سابق خارج شده و از دیدگاه جبران خدمات آنان در جهت افزایش سودآوری و ارتقای ارزش شرکت و همچنین به دلیل اجرای وظایف در سطحی بالاتر از استانداردهای عادی کاری، مورد توجه قرار گرفته است.

در مورد با آزمون فرضیه پنجم یعنی کیفیت کار مؤسسات حسابرسی، میزان اشتباهات مالی با اهمیت دوره های قبل به عنوان معیار مناسب آزمون این فرضیه مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اطلاعات ارائه شده می‌توان گفت که بین کیفیت کار مؤسسات حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همان طور که قبلاً ذکر شد بر مبنای تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی، تفاوت‌ها و امتیازات کیفی بین چگونگی حسابرسی و عملکرد شرکت‌های بزرگ و معتبر حسابرسی، و دیگر مؤسسات حسابرسی مشاهده می‌شود. بر مبنای نتایج این تحقیقات، یکی از موارد برجسته این تفاوت‌ها و امتیازات، توانایی شرکت‌های حسابرسی مذکور در رابطه با قدرت کشف انحراف از استانداردهای حسابداری و سرانجام، کشف مدیریت سود است؛ لذا نتایج این تحقیق در مورد با فرضیه مذکور با یافته‌های محقق غربی سازگار است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرضیه رشد شرکت در رابطه با شرکت‌های ایرانی (پذیرفته شده در بورس) مورد تأیید قرار نگرفته است، یعنی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رشد شرکت نمی‌تواند به عنوان یک انگیزه‌ای قوی و مناسب برای دستکاری

سود، مورد نظر مدیران بنگاه‌های اقتصادی ایران باشد. بنابراین می‌توان گفت بین رشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود ندارد. در مورد فرضیه هفتم، یافته‌های تحقیق حاکی از ارتباط منفی و معنی‌داری بین اندازه شرکت و دستکاری سود بوده است. این امر نشان می‌دهد که در ایران، اعمال مدیریت سود در واحدهای تجاری کوچک‌تر رایج‌تر و بیشتر است. یعنی مدیران بنگاه‌های اقتصادی کوچک‌تر، انگیزه بیش‌تری برای دستکاری سود دارند.

به طور خلاصه، از هفت متغیر مستقل مورد آزمون، پنج متغیر مورد تأیید قرار گرفت و متغیرهای رشد شرکت و عرضه عمده سهام تأیید نشد.

### پیشنهادها

- با توجه به نتایج آزمون فرضیات این تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- ۱- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل متعددی باعث می‌شود تا مدیریت واحدهای تجاری را در برخورد با مسائل تحریک، و زمینه ظهور فرصت‌های مناسب را برای مدیران فراهم کند تا از این طریق، انگیزه لازم برای دستکاری سود توسط آنان فراهم گردد؛ لذا این امر باید مورد توجه افراد علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد و هنگام بررسی صورت‌های مالی اساسی به‌ویژه صورت سود و زیان، مسئله امکان اعمال مدیریت سود از طرف مدیران را مدنظر قرار دهند.
  - ۲- شایسته است سازمان حسابرسی و دیگر نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و انجمن‌های حسابداری و حسابرسی در تدوین استانداردهای حسابداری و قوانین مالی، مقوله دستکاری سود را مورد عنایت بیشتر قرار دهند و با ارائه رهنمودهای لازم - در جهت محدود کردن مدیران در اعمال مدیریت سود - استفاده کنندگان از اطلاعات مالی را به منظور در پیش گرفتن تصمیمات بهینه و آگاهانه بیش از پیش، یاری کنند.

۳- این پژوهش نشان می‌دهد که هر قدر کیفیت کار حسابرسان بیشتر باشد و مؤسسات حسابرسی از توانایی بیشتری در کشف انحراف از استانداردها و همچنین کشف اشتباهات مالی بااهمیت دوره‌های قبل برخوردار باشند، انگیزه مدیران برای دستکاری سود کمتر است. لذا انتخاب حسابرسان معتبر و توانا در این رابطه تأثیر بسزایی خواهد داشت.

## منابع و مأخذ

## منابع فارسی

- پورحیدری، امید و داود همتی، «بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش، و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۳، ص ۶۳-۴۷.
- خانی، عبدالله، «مدیریت سود و پاداش مدیران: مطالعه‌ای جهت شفاف‌سازی اطلاعات مالی»، رساله‌ی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
- مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه؛ و غلامرضا کرمی (۱۳۸۴) «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۲، ص ۶۱-۷۴.

## منابع انگلیسی

- Archibald, T. R. ,1967, "The return to straight-line depreciation:An analysis of a change in accounting method", *Journal of Accounting Research, Supplement*, pp. 164-180.
- Ashari N. , H. C. Koh, S. L. Tan and Wong W. H. , 1994, "Factors affecting income smoothing among listed companies in Singapore", *Accounting and Business Research*, Vol. 24, No. 96, pp. 291-301.
- Beneish, M. D. 1997, "Incentives and penalties to earnings management", Working paper, Indiana University.
- Bergstresser D. , Desai M.A. and Rauh J. , 2003, "The Gerstner effect: Managerial motivations and earnings management", working paper, Harvard Business School.
- Burgstahler, D. and Dichev, I. ,1997, "Earnings management to avoid earnings decreases and losses", *Journal Of Accounting And Economics*: 99-126.
- Darrough, M. N. , Pourjalali, H. and S. Saudagaran , 1999 "Earnings management in Japanese Companies", *The International Journal of Accounting*, Vol. 33, No. 3, pp. 313-334.
- DeAngelo, L. E. , DeAngelo, H. and Skinner, D. J. 1994, "Accounting choices of troubled companies", *Journal of Accounting and Economics* ,17(1/2):113-143 .
- Defond M. L. and J. Jiambalvo, 1994, "Debt covenant violation and manipulation of accruals", *Journal of Accounting and Economics*, No.17, pp. 145-176.
- Erickson, M. and Wang, S. 1999, "Earnings management by acquiring firms in stock for stock mergers ", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 27, No. 2:149-176.
- Gaver, J. , K. Gaver, and J. Austin, "Additional evidence on bonus plans and income models", *Journal of Accounting and Economics* :19, 1995, pp. 3-28.
- Healy, P. M. , 1985, "The effect of bonus schemes on accounting decisions", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 7, No. 1-3 (April) : 85-107.
- Healy, P. M., Wahlen J. M. , "A review of the earnings management literature and its implications for standard setting", Paper prepared for discussion at the 1998 AAA/ FASB Financial Reporting Issues conference.

- Holthausen, R., D. Larcker, R. Sloan, 1995, "Annual bonus schemes and the manipulation of earnings", *Journal of Accounting and Economics*: 19, pp. 29-74.
- Moses, O. D., 1987, "Income smoothing and incentives:  
- Empirical test using accounting changes", *Accounting Review*, April , pp. 358-377.
- Mulford C. W. and E. E. Comiskey, 2002, "The financial numbers game: Detecting creative accounting practices", *John Wiley and Sons, Inc.* , Chapter three, pp. 57-58.
- Peasnell K. , P. Pope and S. Young, 2001, "Board monitoring and earnings management: Do outside directors influence abnormal accruals?" , Working paper, *The department of accounting and finance, management school, Lancaster University: 2001/016.*
- Perry, S. and T. Williams. 1994, "Earnings management preceding management buyout offers", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 18, No. 2: 157-179.
- Ronen J. and S. Sadan, 1981, "Smoothing income numbers: Objectives, means and implications", *Reading Mass., Addison-Wesley Publishing Co.*
- Rosenfield, P. 1998, "What drives earnings management? It is GAAP itself ", *Illusions, JOFA*, Dec. 1998 , Page 12. Scholes, M. S. Wilson ,G. P. and Wolfson, M. A. , 1990, " Tax planning, regulatory capital planning, and financial reporting strategy for commercial banks" , *Review Of Financial Studies*: 625-650.
- Teoh , S. H. , I. Welch , and T. J. Wong. 1998a , "Earnings management and the long run underperformance of seasoned equity offerings", *Journal of Financial Economics* 50:63-99.